ف، هیرمند
2013/12/21

ولید حقوقی ازبنیان گذاران تأمین
محاکمهٔ عادلانه درافغانستان

جناب محترم دوکتور سید عبدالله کاظم، در یاد آوری ایشان از مرحوم دوکتور احمد ولید حقوقی از حقوقدانان بزرگ مرز و بوم وطن ما نگارش قدر شناسانه ای را خامه نموده اند که در ذهن آدمی، فرهنگی را القاء می کند تا از بزرگ مردان علم و تخصص به نحوی تجلیل و یادهانی به عمل بیاید تا نام و کارنامه های ایشان ثبت وقایع علمی و تحقیقی شود و اخلاف و اولاد کشور، مبده و جریان رشد مسلک ایشان را در وطن بدانند و آنرا نیک ادامه دهند.

یکی ازدانشوران علم حقوق و علوم جزایی در کشور ما شادروان مرحوم احمد ولید حقوقی است که علی الرغم عمر کوتاه از خود کارها و کرده های گسترده، مترقی، پُربار، منطبق با اصول بشر دوستانه و ماندگار به جا گذاشت، که گرچه جامعهٔ برون آمده از استبداد قرون در آن زمان زود متوجه اهمیت کارهای دوکتور حقوقی نبود، اما بعداً واضح شد که حقوقی گرامی چه ارزش ها و اصولی را می خواست در نظام عدلی قضایی افغانستان تهداب گذاری کرده و نهادینه بسازد، نتایج تلاش های او در عرصهٔ انسانی کردن (humanisation) اصول محاکمات جزایی در مراحل قبل، جریان و بعد از محاکمه یکی از مساعی بسیار مترقی و بشر دوستانه در دوران خود است، گرچه هیولای استبداد بازهم برگشت کرده و ادامهٔ موزون آن پروسه های انسانی را متوقف ساخت اما بازهم جامعهٔ ما به جرقهٔ درخشان عدالت جزایی، به همت همین فرزندان نامور کشور منجمله مرحوم دوکتور ولید حقوقی آشنا گردید.

در دورانی که حرف زدن در بارهٔ «دلیل اتهام» و باخبر بودن از رویهٔ مستنطق با متهم زندانی، بلوا و اغتشاش تلقی می شد، در زمانی که صلاحیت و اقتدار پولیس به حیث مسؤول کشف و مسؤول تحقیق متهم، حد و مرزی نمی شناخت، در زمانی که تا هنوز حدود استقلال قاضی و قوهٔ قضائیه وضاحت نداشت و مراجع کشف، تحقیق و رسیدگی قضایی یا مرجع صدور حکم درعمل در اختلاط صلاحیت بسر می بردند در آن وقت که کسی جرئت نداشت از سرنوشت و چگونگی روز و روزگار محبوسین آگاهی حاصل کرده و برای بهبود آن صدایی بلند کند، درست در چنین شرایطی است که یک جنبش حقوقی به همت اشخاصی نظیر حقوقی و دیگران آغاز می شود، که بزرگترین دستاورد آن تسوید و تصویب قانون اساسی 1343 هـ ش است و بعداً تطبیق و اجرای قوانین وضع شده بود که در جوامع جهان سوم آن وقت کار آسانی نبود، قابل تذکر است که این اشتیاق قانونمند سازی عرصه ها، بالخصوص در حوزهٔ عدالت جزایی که یک بخش اساسی آن را اصول محاکمات جزایی احتوا می کرد، از یک جریان وسیع بین المللی و اروپایی شگوفایی حقوقی ملهم بود.

اواسط دههٔ 60 قرن بیست میلادی، دنیای ما برای اولین بار میثاق هایی را جهت تعهد در برابر دولت های جهان گذاشت که رعایت الزامی ارزش های مندرج در اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر را مقتضی بود، و آن ارزش ها دیگر در این میثاق ها به صورت اصول و احکام الزامی قابل تعمیل برای متعهدان آن شمرده می شد، نه صرفاً ارزش های تزئینی روی کاغذ.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

در زمره می توان از میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (که هر دو میثاق در دسامبر1966م در سازمان ملل متحد به تصویب رسیدند)، میثاق بین المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی (1965م) و چند سند حقوق بشری دیگر از طریق سازمان ملل متحد به تصویب رسید.

موردی که شگفت به نظر می رسد این است که بعضی از اصول حقوق بشری شامل میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (1966م) قبل از جهانی شدن آن اصول، در قانون اساسی افغانستان (1343هـ ش) در سال 1964م درج گردیده بود، می توان دلیل آورد که این اصول از ارزش های شامل اعلامیهٔ حقوق بشر برگرفته شده باشد ولی این پاسخ چندان قناعت را فراهم ساخته نمی تواند، زیرا مِیتود و شرح اجزای این اصول در قانون اساسی دههٔ دیموکراسی، تقریباً به عین شرحی آمده است که بعداً در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به آن بر می خوریم، این شگفتی را مخصوصاً در مورد عادلانه سازی جریان اجراآت جزایی و تأکید بر رعایت حقوق بشری مظنون و متهم می توان ملاحظه کرد، مادهٔ 26 قانون اساسی 1964م افغانستان در بارهٔ حقوق متهم، موارد اصول«رعایت و محافظت از حق آزادی انسان» ، «قانونیت جرایم و مجازات ها» ، « قانونیت اقدامات اجرایی مراجع کشف و تحقیق و قضایی»، رعایت اصل «برائت ذمه» ، «شخصی بودن مسؤولیت جزایی» ، «ممنوعیت شکنجه» «تعریف اعتراف به جرم» ، «استقلال قضایی و بیطرفی قاضی» و ... را صریحاً با عین روش و اجزای که در مادهٔ 14 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سال 1966م آمده است مشعر می باشد، چنین اجزاء و روش بیانی را در اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر نمی توان ملاحظه نمود، اما این سبقت در استفاده از اصول برجستهٔ حقوق بشری در قانون اساسی 1964ما، این حقیقت را می رساند که اعضای عالیقدر تسوید قانون اساسی 1964 افغانستان به طور گسترده از محتویات و ماهیت اسناد حقوق بشری آن زمان آگاه بودند و تقریباً از همهٔ ارزش ها و اصول آنها درهر چه انسانی سازی قانون اساسی ما بهره برده بودند چنانچه همان مندرجات مادهٔ 26 قانون اساسی را به نحوی از مادهٔ 6 «میثاق اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی» سال 1953م الهام گرفته بودند.
مرحوم ولید حقوقی تقریباً در تمام مراحل کاری تهیه، ترتیب، تسوید و تطبیق احکام آن قانون اساسی به نحوی حضور داشته و ذیسهم بوده است.

کوشش های موصوف در راه منصفانه نمودن اجراآت جزایی در کشور، مخصوصاً متبارز است، این هدف به جز از نظامند نمودن آن و تعبیهٔ اصول علمی مربوط در سیستم، چارهٔ دیگر نداشت، مرحوم ولید حقوقی تلاش به خرج می داد تا:

- حالت بری ذمگی مظنون و متهم تا تثبیت جرم و صدور حکم محکمه، محافظت و رعایت شود،
- اتهام بر اساس احکام قانونی تعریف و تثبیت گردد،
- اصل عدم وابستگی مراجع کشف جرم، قَدَمهٔ تحقیق و مرجع رسیدگی قضایی دقیقاً رعایت شود،
- استقلال قاضی و مرجع قضایی با اطمینان کامل جداً مصون باشد،
- دریافت معلومات و اعتراف از متهم با ارادهٔ آزاد و اختیار شخص وی، بدون اعمال شکنجه بدست آمده و این معلومات از جانب متهم در محضر محکمه مورد تصدیق و تأیید قرارگیرد،
- اعتراف متهم داوطلبانه، با رضایت کامل او در حالت صحت عقل در برابر محکمهٔ با صلاحیت به عمل بیاید،
- حق دفاع مناسب و کافی برای متهم تأمین گردد،
- برای متهم حق داشتن وکیل مدافع و حق صحبت خصوصی او با وکیل اش محترم شناخته شود،
- جرمی که به متهم نسبت داده می شود و مجازاتی که به آن محکوم می گردد، در قانون قبل از ارتکاب جرم تثبیت و تنفیذ شده باشد،
- محاکمه باید علنی و در میعاد معقول و بدون تأخیر غیر مؤجه انجام گردد.
- در سیستم، حق استیناف خواهی برای محکوم علیه ناراضی از حکم صادرهٔ محکمهٔ تالی موجود باشد،
- مجازات قابل تطبیق بالای محکوم علیه دقیقاً همان جزایی باشد که به استناد قانون از جانب محکمه و قاضی
ذیصلاح بر اساس اجراآت کاملاً قانونی، اصدار یافته است در این مجازات عناصر دیگری که در فیصلهٔ محکمه تذکر نرفته، قطعاً قابل تطبیق نباشد،

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

- مجازات و جزای قابل تطبیق بر محکوم علیه غیر قانونی و خلاف کرامت انسانی و خلاف ارزش های بشری نباشد،
- محبوسین در زندان ها از شرایط حد اقل امکانات زیستی مندرج در اسناد حقوق بشری (شرایط حداقل استندرد «معیاری» زندان ها و رفتار با زندانیان) برخورددار بوده و رفتار زندان بان ها با محبوسین با رعایت کامل کرامت انسانی زندانیان صورت گیرد.

نکات بالا قسمت و بخش عمده از اصول و قواعد محاکمۀ عادلانه است که مرحوم ولید حقوقی برای جاگزینی آنها در نظام قانونی کشور و تطبیق عملی آن سعی وسیع به خرج داد. می توان گفت که مرحوم ولید حقوقی یکی از بانیان تأمین محاکمۀ عادلانه در کشور ما بود، که جنت برین مکانش باد و یادش همیشه گرامی باد.
باید افزود که با شعار دادن مثلاً «مرگ بر بی عدالتی» نمی شد معضلۀ فقدان یک نظام انسانی عدالت جزایی را مرفوع ساخت. شاید، اگر این شعار با نیات مردم خواهانه ابلاغ میگردید، در تسهیل پروسۀ تحقق عدالت جزایی ممد واقع می شد، ولی طرح کذایی این شعار مثل سایر بخش ها در بخش عدالت جزایی منجانب رژیم کودتا فاجعه بار بود، حزب دیموکراتیک پرچم و خلق، همین که به قدرت رسید، تمام زمینه های ایجاد شده برای محو بی عدالتی جزایی را از بین برد، اصول نامبردۀ بالا با عروج نظام های تمامیت گرا و مستبد، مخصوصاً رژیم کمونیستی حزب دیموکراتیک بطور کلی منهدم شد و می توان گفت جنایت آن رژیم برعلیه نظام تازه و جوان حقوقی کشور نیز در فهرست گناهان آن رژیم جداً قابل محاسبه است.

پایان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ